

ارزیابی نقش مشارکت در طرح‌های توسعه مناطق روستایی (بررسی موردی: طرح‌های تجمیع مناطق روستایی)

مهدی طالب* حسین میرزایی** عفوآت نادری***

تاریخ دریافت: 19 تیر 1390

تاریخ پذیرش: 6 شهریور 1391

چکیده

بحث مشارکت در دهه‌های اخیر در ارتباط با مسائلی مانند دموکراسی، توسعه و غیره، اهمیت بسیاری یافته است. مشارکت و توسعه روستایی، به عنوان دو عنصر مرتبط و مکمل همدیگر مطرح گردیده و افزایش میزان مشارکت در میان روستاییان، نشانه و وسیله‌ای برای توسعه روستایی در نظر گرفته شده است. مسأله و هدف اساسی پژوهش حاضر، ارزیابی نقش مشارکت مردم در طرح‌های توسعه مناطق روستایی با تأکید بر طرح تجمیع شهرک شرام (استان کرمانشاه، شهرستان پاوه، بخش نوسود) است تا با شناخت چنین مواردی، بتوان از آن برای سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آتی برای مناطق روستایی بهره گرفت. در پژوهش حاضر، با توجه به راهبرد مشارکت در توسعه روستایی و نظریه‌های مربوط به توسعه روستایی مشارکتی، تبیین و ارزیابی نقش مشارکت مردم در طرح‌های تجمیع مناطق روستایی، مورد توجه بوده و در ادبیات و پیشینه پژوهش، تعدادی از مهم‌ترین منابع درباره مشارکت مردم در طرح‌های توسعه مناطق روستایی مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر، از نوع کاربردی و تا حدودی توصیفی بوده و تکنیک مورد استفاده مصاحبه سازمان‌یافته و در بعضی موارد خاص، مشاهده و بررسی اسناد و مدارک موجود بوده است. در قسمت یافته‌های پژوهش مشخص گردیده است که مشارکت به معنای همکاری روستاییان در طرح‌های تهیه شده توسط دیگران نیست، بلکه مشارکت سطوح مختلفی دارد و مشارکت مطلوب، زمانی پدید می‌آید که روستاییان بتوانند در سطوح ذهنی، عینی، تصمیم‌گیری و اجرایی، دخالت داشته باشند. علاوه بر این، برنامه‌ریزی مناسب و استفاده از توانایی‌های روستاییان، می‌تواند بستر مناسبی برای موفقیت طرح‌های تجمیع فراهم کند. در ادامه ضمن تأیید استفاده از نظریه‌های مشارکت و به‌کارگیری نگرشی جامع و کل‌نگر برای تبیین نقش مشارکت مردم در طرح شهرک و طرح‌های مشابه با آن، توجه به راهبرد مشارکت در توسعه روستایی، و نظریه‌های مربوط به توسعه روستایی مشارکتی، اجتناب‌ناپذیر است..

کلیدواژه‌ها: ساماندهی، تجمیع، مشارکت، شهرستان پاوه، طرح شهرک شرام.

* استاد جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. taleb@ut.ac.ir

** استادیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. hmiraie@ut.ac.ir

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (afwat12@gmail.com).

مقدمه

جوامع بشری در مسیر رشد و تعالی خود و برای نیل به توسعه (در معنای کلی کلمه) فراز و نشیب‌های بسیاری را طی کرده و مسیرهای زیادی را پیموده‌اند و در این حوزه، آرمان اصلی، فراهم کردن شرایط مطلوب اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره، برای تک‌تک اعضای جامعه بوده است. اصولاً یکی از مهم‌ترین مسائل کشورها در دوره‌های مختلف، بررسی شیوه‌های بهبود و پیشرفت و در مجموع، توسعه مناطق روستایی است، و بر این اساس، توسعه روستایی نیز به عنوان یکی از زیرشاخه‌های توسعه و بلکه مهم‌ترین آن‌ها «فرایندی چندبعدی است که موضوع آن بهبود، و ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب‌پذیر اجتماع روستایی است» (ازکیا، 1384: 37). علاوه بر این، «مشارکت مردم»، شرط اساسی عملی است که بخشی از جنبه عملیاتی توسعه را تشکیل می‌دهد. نظریه توسعه، با توجه به هدف و محتوا، اهمیت مشارکت را در همه سطوح، از مرحله تعیین‌کننده شناسایی نیازها گرفته تا مرحله نهایی ارزیابی و اجرای برنامه، و همچنین مراحل میانی-تصمیم‌گیری در خصوص تعیین هدف‌ها، کاربرد منابع و مدیریت عملیات - نشان می‌دهد» (کائوتری، 1379: 3).

در دوران مختلف، طرح‌های ساماندهی مناطق روستایی، از جمله طرح‌های تجمیع مناطق روستایی به عنوان یکی از سیاست‌های مهم در حوزه توسعه مناطق روستایی آسیب‌دیده، مورد توجه قرار گرفته است. اجرای طرح‌های ادغام و تجمیع، بیشتر در مناطق روستایی آسیب‌دیده به دلایل مختلف (جنگ، سیل، زلزله و غیره) بوده است و انتظار اولیه این بود که طرح‌های مذکور، از استقبال عمومی خاصی برخوردار باشد، ولی در عمل، نتایج مذکور پدید نیامد و دلیل اصلی آن را می‌توان با عدم جامع‌نگری و مشارکت ندادن نظر و خواست مردم در طرح‌ها مرتبط دانست.

در دوران بازسازی مناطق جنگ‌زده، طرح ساماندهی شهرک شرآم¹ برای تجمیع روستاهای "هانی گرمل"²، "بیدرواز"³ و "کیمه"⁴ (استان کرمانشاه، شهرستان پاوه، بخش نوسود، دهستان شرآم) تهیه گردید، که با وجود برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های زیربنایی انجام شده برای این شهرک، چندان مورد استقبال قرار نگرفت و اهالی بعضی از روستاهای مذکور (بیدرواز و کیمه) بعد از گذشت بیش از یک دهه از ارائه طرح مذکور، هنوز با داشتن حداقل امکانات لازم، به زندگی در روستاهای تخریب شده سابق خویش دلخوش هستند.

¹ شرآم نام کوه و ارتفاعی است که به لحاظ موقعیت در بین سه روستای بیدرواز، کیمه و هانی گرمله واقع گردیده است و قسمتی از آن نیز در آن طرف مرز و در خاک کشور عراق قرار دارد. شایان ذکر است که خط

2 Hani garmelah

3 Bidarwaz

4 Kaimenah

ادبیات پژوهش

در این قسمت، متون و پژوهش‌های انجام شده درباره موضوع پژوهش مرور می‌شود. شایان ذکر است که به دلیل جلوگیری از اطاله کلام، در اینجا فقط مهم‌ترین منابع بیان می‌گردد.

1) بازسازی آبادان و مشارکت مردم در آن: هدف کلی پژوهش حاضر، بررسی نحوه مشارکت مردم آبادان در سطوح مختلف کار بازسازی بوده و پژوهش با استفاده از روش مشاهده و مصاحبه آزاد انجام شده است. در پایان کار و بعد از جمع‌آوری داده‌ها، پژوهشگر با ارائه گونه‌ای از تقسیم‌بندی مشارکت در سه سطح تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت، بیان کرده است که در مرحله اول (تصمیم‌گیری) مردم هیچ‌گونه مشارکتی نداشته‌اند، بلکه در این مرحله، دولت نقش اصلی را ایفا کرده است، لیکن مردم در مرحله دوم (اجرا) مشارکت خوبی داشته و در مرحله سوم (نظارت) نیز مانند مرحله اول، مردم نقش چندانی نداشته‌اند.

2) تجمع یا ادغام روستاها: یک اشتباه بزرگ: اسماعیل شهبازی در سال 1372 در مقاله‌ای نظریه تجمع یا ادغام روستاها را به دور از پژوهش‌ها و بررسی‌های علمی و کارشناسانه دقیق متخصصان علوم اجتماعی - اقتصادی، کشاورزی و غیره، دانسته و یادآوری کرده است که در این حوزه، مسأله مشارکت در تصمیم‌گیری یا تصمیم‌گیری مستقیم خود مردم، به عنوان یکی از مشخصه‌های اصلی اسکان، در ابعاد مختلف نفی شده است. در نهایت، نویسنده با بیان اینکه «ترغیب مردم روستاهای کوچک و پراکنده، به «جابجایی» یا کوچ دادن آنها به «روستا - شهرهای» مصنوعی در کنار جاده‌های شوسه و شاهراه‌ها، به دلیل تسریع دسترسی و سهولت خدمت‌رسانی عوامل دولتی، توجیهی بی‌پایه و نشانه‌ای از ضعف ارگان‌های توسعه ملی در آبادانی گسترده نقطه به نقطه کشور است» (شهبازی، 1372: 68) ادغام یا تجمع روستاها را باعث افول تمدن و محو آثار امنیت به دلیل آثار غیبت انسان‌ها و غیره می‌داند.

تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی - اقتصادی سازمان یافته روستاییان به عنوان سازوکاری برای توسعه روستایی در ایران (نمونه موردی روستاهای شهر کاشان): پرسش اصلی پژوهش غفاری این است که چرا مشارکت اجتماعی - اقتصادی از حوزه‌های خاص (خانواده، طایفه، محله و غیره) به حوزه‌های عام ارتقاء نیافته است. حوزه مشاهده پژوهش حاضر، جامعه روستایی ایران و جامعه هدف، روستاهای شهر کاشان بوده و از روش پیمایش و فن مصاحبه حضوری مستقیم و بررسی‌های موردی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. در ادامه، بعد از تشکیل چهار متغیر ترکیبی پایگاه اجتماعی - اقتصادی، سرمایه اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی و امکانات توسعه و حضور همزمان آنها در مدل و آزمون آنها، مشخص شده است که متغیرها و ویژگی‌های شخصیتی، امکانات توسعه، سرمایه اجتماعی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی، به ترتیب بیشترین تأثیر را داشته است (1380).

بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت روستاییان در طرح‌های عمران روستایی (دهستان شروینه از توابع شهرستان جوانرود): فتح‌الهی در این پژوهش، مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن را بررسی کرده است. در ادامه با استفاده از دیدگاه‌های نظری نوسازی، سرمایه اجتماعی و یافته‌های تجربی، عواملی مانند نوگرایی، تمایل به کار گروهی، اعتماد و انسجام اجتماعی، بیگانگی اجتماعی و غیره، به عنوان عوامل مؤثر در مشارکت مردم در طرح‌های عمرانی مورد بررسی قرار گرفته است.

به طور کلی، در خصوص متون و منابع مورد بررسی، می‌توان نتیجه گرفت که در بیشتر پژوهش‌ها از روش‌های کمی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است و در کمتر مواردی، استفاده از روش‌های کیفی ملاحظه می‌شود.

در اکثر پژوهش‌های مذکور، طرح‌های تجمیع مناطق روستایی و اجرای آن‌ها، کمتر مورد توجه و بررسی علمی قرار گرفته است. با عنایت به چنین موضوعاتی، در پژوهش حاضر سعی شده است تا با استفاده از روش کیفی و مورد توجه قرار دادن طرح تجمیع مناطق روستایی، نقش مشارکت در طرح‌های توسعه مناطق روستایی مورد ارزیابی قرار گیرد.

مبانی و چارچوب نظری

همگام با تکامل مفهوم توسعه و مطرح شدن «مشارکت» در مباحث آن، اصل مشارکت در برنامه‌ریزی توسعه روستایی مطرح گردید. دلیل «تأکید بر اصل مشارکت در برنامه‌ریزی از این رو است که توسعه بیش از همه، به انگیزش و یادگیری نیازمند است و در بهبود و کفایت مستمر توانایی‌های درونی تجلی می‌یابد. بر همین اساس، برنامه‌ریزی توسعه روستایی به طور جدی به دموکراسی در اهداف و روش‌ها وابسته خواهد بود» (رضوانی، 1383: 133). برنامه‌ریزی عناصر بسیاری دارد که مهم‌ترین آن، مشارکت است¹، مشارکت عموم مردم در برنامه‌ریزی و مسائل مرتبط با آن، یکی از مهم‌ترین جهات دخالت افراد در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است.

1- دیدگاه‌ها درباره مشارکت:

دیدگاه‌های رایج درباره مشارکت را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد:

دیدگاه جامعه‌شناختی که از عمده‌ترین نظریه‌پردازان این دیدگاه، می‌توان دیوید مک کله لند، اورت هیگن، ماکس وبر، رابرت دال، ریموند فرست و غیره را نام برد. در این دیدگاه، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر

1 سایر عناصر آن عبارت است از جایگاه، سطوح، مراحل تصمیم‌گیری، قلمرو، حاکمیت، انعطاف‌پذیری و سازماندهی و گردش کار برنامه .

ارزیابی نقش مشارکت در طرح‌های توسعه مناطق روستایی ...

مشارکت عبارت است از: «شهرنشینی، گسترش وسایل ارتباط جمعی، چندگانگی فرهنگی، پویایی گروهی، رشد اقتصادی، ویژگی‌های اجتماعی فرد، سواد». دیدگاه روان‌شناختی که از عمده‌ترین نظریه‌پردازان آن می‌توان سی مور، مارتین لیپست، ساموئل هانتینگتون، دانیل لرنر، مایرون وینر و غیره را نام برد. مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مشارکت در این دیدگاه عبارت است از: «تگیزه‌ها، خصیصه‌های شخصیتی، تربیت روحی- روانی، سائقه‌ها و نگرش‌ها، اعتقادات مذهبی» (عنبری، 1377: 67).

2- راهبرد مشارکت در توسعه روستایی:

تجربیات علمی، بیانگر اهمیت بحث مشارکت اجتماعی در برنامه‌ریزی توسعه روستایی است. «هقوله مشارکت در دیدگاه‌ها و راهبردهای توسعه روستایی، هم به منزله هدف و هم به عنوان وسیله مورد توجه بوده [است]» (رضوانی، 1383: 108). از این رو، باید گفت که مشارکت مردمی، وسیله‌ای است که با آن افراد جامعه، قادر به دخالت در تدوین سیاست‌ها، راهبردها، طرح‌ها و برنامه‌ها می‌شوند. «محورهای اصلی راهبرد مذکور، عبارت است از: تأکید بیشتر بر نیازهای مردم؛ تشویق و افزایش مشارکت مردم در هر مرحله از فرایند برنامه‌ریزی؛ بسط و ترویج سرمایه‌گذاری‌های کوچک، که مردم قادر به اجرای آن باشند؛ کاهش هزینه‌های مردم و در مقابل افزایش درآمدهای آنان؛ تشویق مردم برای تداوم و نگهداری طرح‌های توسعه. موضوع مسلم در راهبرد مذکور این است که برای نیل به توسعه پایدار، باید مشارکت مردم با طرح‌ها و برنامه‌ها همراه باشد.

3- نظریه‌های توسعه روستایی مشارکتی:

3-1- نظریه مهاتما گاندی: «نظریه گاندی در واقع دنباله نهضت خودسازای روستاها در هند در دوران استعمار انگلیس است. در نظریه او، روستا یک واحد مستقل بود که محور خوداتکایی کشور محسوب می‌شد. روستا و کشاورزی، اساس توسعه مورد نظر گاندی بوده است» (حامد مقدم، 1373: 295). دو پایه اصلی نظریه گاندی عبارت است از: "خوداتکایی روستا" و "مشارکت و خودباری روستایی". در دیدگاه مهاتما گاندی، مواردی مانند خوداتکایی، خودمختاری و خودبسندگی روستا، اهداف راهبرد توسعه روستایی محسوب می‌شود، وی برای نقش مشارکت و دخالت توده‌ها در توسعه، اهمیت فراوانی قائل بود (جمعه‌پور، 1384).

3-2- نظریه ژولیوس نیرره: در این دیدگاه که نیرره با داشتن نگاهی سوسیالیستی در سال 1964، آن را در کشور تانزانیا مطرح کرد، راه‌حل اصلی همه مشکلات کشورهای عقب‌مانده، بر اساس "توسعه روستایی بر محور مشارکت" توجیه می‌گردد (حامد مقدم، 1373). ایشان نیز مانند گاندی "تأمین حداقل نیازهای اساسی" را هدف عمران روستایی مطرح کرده و عمران روستایی را نیز از وظایف اصلی دولت‌ها

توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره 1، بهار و تابستان 1391

3-3- نظریه عبیدالله‌خان: عبیدالله‌خان با توجه به فقر و کیفیت زندگی، برای توسعه روستایی مواردی را به شرح زیر بیان کرده است: (1) دادن اعتماد به نفس به روستاییان برای توسعه مشارکتی؛ (2) اصلاحات ارضی؛ (3) کشاورزی به عنوان محور توسعه؛ (4) ارتباط بین دولت و مردم، به عنوان وظیفه رهبران محلی؛ (5) مطرح کردن نقش دولت در توسعه (ازکیا، 1384 و حامد مقدم، 1373)

3-4- نظریه فریدمن و ویور: «فریدمن»¹ و «ویور»² از نظریه‌پردازان مشهور راهبرد روستا - شهر³ [توسعه روستا - شهری] هستند. نظریه مذکور، بر سه محور استوار است: الف) همکاری و خودیاری داوطلبانه؛ ب) جمعیت‌های روستایی یا ناحیه روستا-شهر؛ ج) روش توسعه غیرمتمرکز (توسعه پایین به بالا) «حامد مقدم، 1373: 302».

4- نظریه اعتماد اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی و آثار آن در دو دهه اخیر، به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی و اساسی، با سرعت بسیاری مورد توجه جوامع علمی قرار گرفته است. «سرمایه اجتماعی دارای سه بعد مهم و اساسی آگاهی، مشارکت و اعتماد است که در یک تعامل چند سویه و داده و ستانده به یکدیگر، سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند» (صمیمی، 1386: 168). به اعتقاد رابرت پاتنام، جوهر نظریه سرمایه اجتماعی، این است که «شبکه‌های اجتماعی، بیشتر مردم و اقشار جامعه را به همکاری و اعتمادپذیری در برخورد‌هایشان تشویق می‌کنند» (پاتنام، 1385: 121)، و مشارکت بیان دیگری برای سرمایه اجتماعی است.

«آنتونی گیدنز، اعتماد و تأثیر آن بر فرایند توسعه را زیرینا و زمینه‌ساز اصلی در جوامع مدرن می‌داند. هر جا که میزان اعتماد اجتماعی، فراوان باشد، مشارکت و همیاری مردم در حوزه‌های اجتماع، بیشتر و آسیب‌های اجتماعی، کمتر است. جیمز کلمن وجود اعتماد را عامل اصلی برقراری تعاملات و تبادلات اجتماع انسانی می‌داند. آسیب دیدن اعتماد عمومی در جامعه، به یقین بر کنش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأثیر می‌گذارد. به اعتقاد پارسونز، اعتماد به نتایجی نظیر مشروعیت برای مسئولان و سازمان‌ها می‌انجامد. چنانچه اعتماد وجود داشته باشد، مشروعیت افزایش می‌یابد. اگر بین فعالیت‌های سازمان‌ها و مسئولان، با خواسته‌های مردم شکاف ایجاد شود و نتواند رضایت مردم را پدید آورد، مشروعیت آنها زیر سؤال می‌رود و اعتماد مردم به آنها کاهش می‌یابد، اما حرکت سازمان‌ها و مسئولان در جهت خواسته‌های مردم، باعث تداوم اعتماد به خود، به عنوان مهم‌ترین مؤلفه سرمایه‌اجتماعی می‌شود» (ورسلی، 1373: 489 به نقل از رمضانیان، 1386: 105 و 106). با عنایت به مطالب مذکور،

1 Friedman
2 Weaver
3 Agropolitan

ارزیابی نقش مشارکت در طرح‌های توسعه مناطق روستایی ...

حوزه مشارکت مطرح است. به طوری که با توجه به وضعیت سرمایه اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی موجود در جامعه، به طور مستقیم میزان مشارکت نیز تغییر خواهد کرد.

چارچوب نظری

به طور کلی، نبود برنامه‌ریزی جامع و تفصیلی، به عنوان عمده‌ترین دلیل و مسأله مربوط به اسکان مجدد به صورت عام و تجمع مناطق روستایی به طور خاص، مطرح شده است. در زمینه عوامل مؤثر بر "مشارکت" یا "عدم مشارکت" افراد در توسعه مناطق روستایی، چارچوب و نظریه نظام‌یافته‌ای نمی‌توان یافت، لیکن فقدان چنین نظریه‌ای را نمی‌توان دلیل عدم بررسی چنین موضوع مهمی دانست. در نگاه اول و به طور صریح و روشن می‌توان گفت دو دسته عوامل و متغیرهای فردی (روانشناختی یا روانی) و عوامل و متغیرهای اجتماعی (اقتصادی، جامعه‌شناختی، سیاسی و غیره) به طور خاص، در مشارکت یا عدم مشارکت و به طور عام در موفقیت یا عدم موفقیت برنامه‌های توسعه مناطق روستایی تأثیر می‌گذارد و در یک الگوی تحلیلی ساده، ویژگی‌های شخصیتی و روانشناختی افراد، موقعیت و متغیرهای اجتماعی و محیط سیاسی در این زمینه دخیل است.

بنابراین، به طور کلی باید گفت که در پژوهش حاضر، سعی شده است که بر اساس نظریه‌های ترکیبی دلایل عدم مشارکت و شکست طرح‌های تجمع مناطق روستایی در حیطه نظریه‌های مربوط به مشارکت مورد توجه قرار گیرد. یعنی ابتدا با استفاده از راهبرد مشارکت در توسعه روستایی، اهمیت مشارکت در طرح‌های تجمع مناطق روستایی تبیین می‌گردد و در پی آن، با استفاده از عناصر اصلی نظریه‌های توسعه روستایی مشارکتی (نقش دولت و رابطه دولت و ملت در نظریه عبیدا... خان، روش توسعه غیرمتمرکز در نظریه فریدمن و ویوور و غیره) و ابعاد سه‌گانه سرمایه اجتماعی (آگاهی، مشارکت و اعتماد اجتماعی) در نظریه‌های آنتونی گیدنز و رابرت پاتنام، یافته‌های پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

آیا بین مشارکت و توسعه مناطق روستایی، رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا مشارکت در میان دلایل موفقیت طرح‌های توسعه روستایی (تجمع مناطق روستایی) جایگاهی دارد؟ آیا عوامل فضایی-کالبدی عدم مشارکت مردم در طرح‌های تجمع مناطق روستایی، مهمترین عامل شکست طرح‌های مذکور بوده است؟ آیا دلایل اجتماعی، جایگاهی در میان مهم‌ترین عوامل عدم مشارکت در طرح‌های تجمع مناطق روستایی داشته است؟ و در نهایت اینکه، مهم‌ترین دلایل عدم مشارکت مردم در طرح‌های تجمع، به کدام یک از دلایل سه‌گانه فوق مربوط می .

پس از طرح پرسش‌های فوق، با توجه به کیفی بودن پژوهش حاضر و اینکه تحلیل‌های به‌کار رفته درباره عدم مشارکت و شکست طرح‌های تجمیع مناطق روستایی، به صورت خواسته یا ناخواسته دچار نوعی تقلیل‌گرایی شده است، بنابراین با در نظر گرفتن عوامل و متغیرهای مربوطه در زمینه‌های فضایی - کالبدی، اقتصادی و اجتماعی [با تأکید بیشتر] و با توجه به نظریه توسعه روستایی مشارکتی، و ابعاد سرمایه اجتماعی فرضیه‌های مربوط به تأثیر عوامل فضایی - کالبدی، اقتصادی و اجتماعی استخراج گردیده است؛ به این ترتیب، بعضی از فرضیه‌های مرتبط با موضوع و پرسش‌های پژوهش حاضر عبارت است از:

به نظر می‌رسد که بین مشارکت مردم و توسعه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره مناطق روستایی رابطه مستقیم وجود دارد.

به نظر می‌رسد که بین مشارکت مردم، به عنوان مهم‌ترین عامل و میزان موفقیت طرح‌های تجمیع مناطق روستایی، رابطه مستقیم وجود دارد.

به نظر می‌رسد که دلایل فضایی - کالبدی عدم مشارکت مردم در طرح‌های تجمیع، با وجود بدهی بودن آن‌ها، نمی‌تواند به عنوان مهم‌ترین عامل در نظر گرفته شود.

به نظر می‌رسد دلایل اجتماعی عدم مشارکت مردم در حقیقت امر، با وجود غیرملموس بودنشان، مهم‌ترین دلیل شکست طرح‌های تجمیع بوده است.

روش تحقیق

با عنایت به اینکه پژوهش حاضر بیشتر به منظور استفاده از نتایج آن در برنامه‌ریزی‌های آینده مناطق روستایی انجام شده است، برای پی بردن به نظرها و دیدگاه‌های مردم درباره مشارکت یا عدم مشارکت در طرح‌های توسعه مناطق روستایی با در نظر گرفتن پرسش‌های اساسی پژوهش، استفاده از روش‌های کیفی نیاز است. پژوهش حاضر را می‌توان از نوع کاربردی و تا حدودی توصیفی دانست و به تناسب آن، از روش‌های کیفی برای دستیابی به نتایج مطلوب استفاده کرد. روش‌شناسی پژوهش حاضر، تفسیری است و در این نوع روش‌شناسی، به تناسب کیفی بودن روش‌های آن، بیشتر از فوننی مانند مصاحبه‌های ژرف، مشاهده و غیره استفاده می‌شود. بنابراین، فن مورد استفاده، مصاحبه سازمان‌نیافته و در بعضی موارد خاص، مشاهده و بررسی اسناد و مدارک موجود است. در پژوهش حاضر، به دلیل نزدیکی پژوهشگر به محل و منبع داده‌ها و بومی بودن، از داده‌های دست اولی استفاده می‌شود که نگارنده جمع‌آوری کرده است. در برخی موارد نیز داده‌های دست دوم مورد استفاده قرار گرفته است.

در میان جمعیت آماری پژوهش حاضر، با توجه به ویژگی‌های خاص اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی منطقه و وجود روحیه پدرسالاری در میان خانواده‌های

ارزیابی نقش مشارکت در طرح‌های توسعه مناطق روستایی ...

جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، همه افراد سرپرست خانوار از میان جمعیت واقعی سه روستای هانی‌گرمله، کیمنه و بیدرواز را شامل می‌شود. با توجه به نگاه همه‌جانبه به موضوع در پژوهش حاضر، تا حد ممکن دست اندرکاران طرح شهرک شرام در سطح نهادها و دستگاه‌های دولتی نیز جزء جامعه آماری هستند. علاوه بر این، با توجه به اینکه عناصر جامعه آماری، به طور کامل قابل شناسایی نبود و احتمال شماره‌گذاری آن‌ها نیز وجود نداشت، به صورت کلی از روش‌های نمونه‌گیری غیراحتمالی¹ استفاده شد. همچنین با توجه به گسترش جامعه آماری در سطح چند شهرستان و عدم شناخت کامل جامعه آماری، از "روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف² یا نظری³" استفاده شده است. در این نوع نمونه‌گیری، ابتدا مصاحبه با نمونه‌های در دسترس آغاز می‌شود و سپس به صورتی هدفمند و هدفدار و به منظور پوشش دادن به اهداف پژوهش، مصاحبه با نمونه‌ها ادامه می‌یابد. حجم نمونه⁴ در پژوهش حاضر بر اساس به حد اشباع رسیدن داده‌ها تعیین گردیده است و نمونه‌گیری تا زمانی ادامه یافت که داده‌ها و نتایج به دست آمده از مصاحبه‌ها، تکراری نبود. در ادامه تلاش شده است تا حد ممکن با استفاده از دو روش مقبولیت و انتقال‌پذیری، داده‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد.

در پژوهش حاضر، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، به طور همزمان انجام شد. مصاحبه‌های مذکور با روش تحلیل مقایسه‌ای مداوم و مطابق با روش استرواس و کوربین، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سعی شده است هر مصاحبه تا حد ممکن قبل از انجام مصاحبه بعدی، کدگذاری و تجزیه و تحلیل شود و در این فرایند، از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است.

مشخصات کلی منطقه و طرح مورد بررسی

کرمانشاه یکی از استان‌های غربی و مرزی کشور است و شهرستان پاوه به عنوان یکی از 14 شهرستان استان کرمانشاه، چهار شهر به نام‌های پاوه⁵، نودشه، نوسود و باینگان دارد که شهر پاوه، مرکز شهرستان است. بخش نوسود نیز یکی از بخش‌های سه‌گانه شهرستان پاوه، با مرکزیت شهر نوسود است. بر اساس سرشماری سال 1385، بخش نوسود، دو شهر به نام‌های نودشه و نوسود، دهستانی به نام سیروان و هفده آبادی داشته است. در دوران جنگ تحمیلی، بسیاری از مناطق روستایی و شهری، باغ‌ها و مراتع بر اثر بمباران هواپیماها، توپخانه، خمپاره و غیره، ویران و تخریب شدند و اهالی آن‌ها به اجبار مناطق مذکور را ترک کردند و مجبور شدند در سایر نواحی شهرستان و شهرستان‌های همجوار سکونت کنند. در واقع، بر اثر 185 بار بمباران مناطق

1 باید گفت که در نمونه‌گیری غیراحتمالی، چارچوب خاصی برای نمونه‌گیری وجود ندارد.

2 Purpose Ful
3 Theoretical
4 Sample Size

5 وجه تسمیه پاوه به "پاو" سردار یزدگرد سوم نسبت داده می‌شود.

توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره 1، بهار و تابستان 1391

مسکونی، بیش از 50 روستای مرزی در قالب 3845 خانوار با جمعیتی بالغ بر 19500 نفر، مجبور به تخلیه و آوارگی و سرگردانی در سایر نواحی شدند (مرادی، 1376؛ فتاحی، 1387). از این رو، بر اساس سرشماری سال 1365، شهرستان پاوه که در آن زمان، شهرستان‌های جوانرود و روانسر فعلی را نیز شامل می‌شده است، 615 آبادی داشته که از تعداد مذکور، 358 آبادی دارای سکنه و 258 آبادی دیگر، خالی از سکنه بوده است.

بعد از سال‌های جنگ تحمیلی در سال 1374، مسئولان شهرستان پاوه، در کمیته‌ای خاص به بررسی و ساماندهی وضعیت مهاجران جنگی سه روستای هانی گرمله، بیدرواز و کیمنه پرداختند. در کمیته مذکور، علاوه بر مسئولان دولتی و نظامی شهرستان، نمایندگانی از اهالی روستاهای جنگ‌زده حضور داشته‌اند. با توجه به عدم امکان بازسازی روستاهای جنگ‌زده، کمیته مذکور ساماندهی مردم جنگ‌زده را در محلی غیر از مکان اصلی روستاهای اصلی پیشنهاد کرد. بر این اساس و در رابطه با مکان‌یابی روستاهای فوق، طرح شهرک شرام ارائه گردید.

طرح شهرک شرام برای تجمیع روستاهای هانی گرمله، کیمنه و بیدرواز در محلی جدید، ارائه گردید. بعد از تعیین محل شهرک و پیش‌بینی تأمین آب آن (منطقه مارانی به عنوان محل شهرک شرام، و پیش‌بینی تأمین آب آن از خُرخُره) در پاییز سال 1374، کار نقشه‌برداری شهرک مزبور با کمک دو مؤسسه مهندسان مشاور نقشه‌برداری و یک مؤسسه طراحی نقشه، به صورت تهیه طرح بافت فیزیکی توسط بنیاد مسکن آغاز گردید. بعد از افتتاح طرح مذکور، واگذاری زمین به مردم و با برگزاری مراسم هفته دولت در محل شهرک، ساخت و ساز آغاز گردید. در شهرک مذکور، محل هر یک از روستاهای جنگ‌زده با توجه به دوری و نزدیکی به باغ‌ها و زمین‌های زراعی هر یک از روستاها شروع شد و ظاهراً مساحت قطعه‌های زمین واگذار شده به مردم، از 150 الی 200 متر مربع به صورت متناوب بوده و در پیاده‌سازی نقشه‌های ساختمانی خاص، از سوی دستگاه‌های اجرایی، اجبار وجود نداشته است.

در مجموع، برای شهرک شرام 26 خانوار از اهالی روستاهای هانی گرمله و کیمنه (2 خانوار) [در روستای بیدرواز کسی متقاضی دریافت زمین برای اسکان نشده است] متقاضی دریافت زمین و ساخت مسکن شدند و کار را آغاز کردند. در ادامه غیر از سه واحد مسکونی که تکمیل گردید و متقاضیان در آن‌ها اسکان یافتند، بقیه کار خود را تا پی‌کنی واحد مسکونی ادامه دادند و سپس آن را رها کردند.

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، برای شناسایی عوامل عدم مشارکت مردم و ناکامی طرح شهرک، قبل از هر چیز میزان رضایت روستاییان از زادگاه و روستای اصلی خود و علاقه به آن شناسایی گردید. در واقع،

ارزیابی نقش مشارکت در طرح‌های توسعه مناطق روستایی ...

روستاییان در طرح، مقدمات و زمینه اصلی ناکامی و شکست آن را به وجود آورد است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که دلایل عدم مشارکت مردم، در واقع دلایل عدم موفقیت طرح شهرک است. از این رو، پژوهش حاضر به صورت تاریخی، پیشینه مشارکتی روستاییان در روستاهای اصلی قبل از آوارگی، شناخته و ارزیابی شد. دلیل آن نیز بررسی این موضوع بوده است که آیا روستاییان در حقیقت روحیه مشارکتی داشته‌اند یا خیر؟ یعنی اگر روستاییان فاقد روحیه مشارکتی اصیل و نهادینه‌ای می‌بودند، در واقع طرح شهرک با ناکامی مواجه می‌گردید و دیگر به سایر توجیه‌ها نیاز نبود. ولی در صورت مثبت بودن جواب پرسش مذکور، آنگاه دلایل عدم مشارکت روستاییان (با وجود تأیید روحیه مشارکتی از سوی آنان) که در واقع همان دلایل ناکامی طرح بود، مورد بحث و بررسی قرار گرفته، و ارزیابی و تجزیه و تحلیل نهایی بر این اساس انجام شده است.

1- وضعیت همیاری و مشارکت روستاییان:

در بررسی‌های انجام شده، اکثریت روستاییان با توجه به توجیه‌ها و دلایل گوناگون مطرح شده، از زندگی در زادگاه اصلی خود بسیار راضی بوده و علاقه فراوانی به زندگی در زادگاه اصلی خود داشته‌اند و اندک افرادی که رضایت خود را به طور نسبی بیان کرده‌اند؛ بیشتر به کمبود نسبی امکانات و خدمات رفاهی توجه کرده‌اند، و غیر از این مورد، هیچ دلیل اصلی به عنوان دافعه روستاهای اصلی، مطرح نشده است. توجیه و دلایل مختلفی که روستاییان برای رضایت خود بیان کرده‌اند، عبارت است از: 1- توجیه‌های اجتماعی، فرهنگی، روحیات و خلقیات مردم، و علاقه به زادگاه؛ 2- جنبه‌های اقتصادی، اشتغال و تولید؛ و 3- دلایل محیطی و زیست‌محیطی (جغرافیایی و غیره).

درباره وضعیت روابط اجتماعی و فرهنگی بین اهالی هر یک از روستاهای مورد بررسی، می‌توان گفت که قبل از آوارگی، وجود روابط خویشاوندی و فامیلی، و رعایت شئون اجتماعی و مذهبی، باعث ارتباط صمیمی و عاطفی بین روستاییان شده، و بر این اساس، روابط فی‌مابین خوب بوده و کمتر برخورد نامطلوبی بوجود آمده است، به طوری که اکثراً اذعان کرده‌اند که مردم به همدیگر احترام می‌گذاشتند، مشورت، همکاری و هم‌فکری در میان مردم وجود داشته و اعتماد بین آنها فراوان بوده است.

به طور کلی، قبل از آوارگی با توجه به وضعیت مطلوب روابط اجتماعی و فرهنگی بین روستاییان در حوزه‌های مختلف، مانند رواج ازدواج‌های درون‌گروهی، محدود بودن مسائل و مشکلات اجتماعی و اخلاقی، و همیاری و مشارکت مردم در مراسم مختلف، می‌توان گفت که چنین وضعیتی در نهایت، همچنان که مصاحبه‌شوندگان اذعان کرده‌اند، باعث تقویت روحیه و فرهنگ مشارکتی بین مردم شده است. از این رو، باید گفت که روستاییان به لحاظ تاریخی و بعد زمانی، پیشینه مشارکتی مناسبی داشته‌اند، و قبل از آوارگی در سه حوزه 1- وجود فرهنگ مشارکتی؛ 2- حل و فصل مشکلات و مسائل جزئی و در برخی موارد کلی؛ 3- انتخاب اعضای تشکل‌های غیررسمی و رسمی موجود برای اداره

مشارکت مردم، نقش بسیار مهمی داشته است و اگر چنین زمینه و روحیه مشارکتی بعد از آوارگی به دلایل مختلف تضعیف نمی‌گردید، عملاً شاهد موفقیت طرح شهرک شرام می‌بودیم!

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، اکثر مصاحبه‌شوندگان بیان کرده‌اند که در زمان ارائه طرح شهرک شرام، به صورت رسمی شورایی نداشتند؛ ولی به صورت غیررسمی افرادی به عنوان شورا یا نمایندگان هر یک از روستاها، به گونه‌ای انتصابی از سوی مردم یا نهادهای دولتی معرفی شدند. آنها معمولاً از طوایف مختلف بودند و بیشتر از میان فرهنگیان روستاها بر اساس مصلحت برای پی‌گیری کارها انتخاب شده بودند. البته برخی، نمایندگان غیررسمی روستاها را محکوم به در نظر گرفتن منفعت خود می‌کردند و حتی اظهار کرده‌اند که نمایندگان در میان خود اختلاف نیز داشته و در کم و زیاد کردن خسارات پرداختی به روستاییان قبل از طرح شهرک شرام، به نفع وابستگان خود دخالت کرده‌اند. عده معدودی نیز اقدام خودسرانه برخی از منفعت‌طلبان و سودجویان را در معرفی خود به عنوان نماینده روستاییان مطرح کرده‌اند. بعد از تشریح وضعیت نمایندگان یا شوراهای رسمی و غیررسمی و روند انتخاب آنها، اکثر مصاحبه‌شوندگان بیان کرده‌اند با توجه به اینکه هیچ هماهنگی و پرسش و پاسخی از مردم انجام نشده بود و فقط برنامه‌ریزان خودسرانه عمل می‌کردند و ما دخالتی نداشتیم، داشتن یا نداشتن نماینده یا شورا، مشکلی را حل نمی‌کرد.

با توجه به موارد فوق، می‌توان گفت که در حقیقت روستاییان به دلیل پراکندگی در سطح چندین استان و شهرستان، شرایط برگزاری انتخابات شوراها یا نمایندگان روستا را نداشتند و مجبور به انتخاب یا انتصاب نمایندگان یا شوراهایی به طور غیررسمی شده‌اند. در نتیجه، نمایندگان نیز به دلیل پراکندگی مردم و عدم مشارکت همه آنها در انتصاب غیررسمی نمایندگان، از سوی بعضی از طوایف مورد اتهام قرار می‌گرفتند. در نهایت، باید گفت هر چند که مردم یا نمایندگان آنان در این خصوص، تا حدودی مقصر بوده‌اند، لیکن در صورتی که برنامه‌ریزان نیز اجازه و اختیار دخالت و مشارکت روستاییان را می‌دادند، مشکلات باز هم بود. اما با فرض منفی بودن نظر برنامه‌ریزان درباره مشارکت روستاییان، مثبت یا منفی بودن وضعیت نمایندگان و شوراهای غیررسمی روستاییان، نقشی ایفا نمی‌کرد و طرح همچنان با شکست مواجه می‌شد.

اکثر مصاحبه‌شوندگان درباره وضعیت مشارکت و هم‌فکری در سطح خانواده، در اعلام نظر درباره طرح شهرک شرام بیان کرده‌اند که اعضای خانواده با هم شریک هستند و نظر آنها در هر تصمیمی مهم است و با توجه به اینکه مشورت از جنبه‌های اصلی و اساسی دین است، تصمیم‌های کلی در خانه و در میان اعضای خانواده با مشورت اتخاذ شده است. لیکن می‌توان گفت که اعضای خانواده، مانند سرپرستان خانوار به صورت عمقی به مسائل توجه نداشته‌اند، یعنی آنچه‌ای که در ادامه خواهیم دید، سرپرستان خانوار با توجه به تجربه‌هایی که در بسیاری از حوزه‌ها داشته‌اند؛ عملاً به صورتی ژرف‌تر مسائل را مورد توجه قرار داده‌اند و این موضوع، کاملاً واضح و آشکار است. به طور کلی، می‌توان گفت که در اکثر موارد، مصاحبه

ارزیابی نقش مشارکت در طرح‌های توسعه مناطق روستایی ...

مشارکتی و رایزنی میان اعضای خانواده را تأیید کرده و بر تصمیم‌گیری با اکثریت اعضای خانواده موافق بوده‌اند، یعنی عملاً در سطح خرد و فردی نیز می‌توان مصادیقی از مشارکت را در میان روستاییان مشاهده کرد و این موضوع، یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت در سطوح خرد (خانواده) و در سطوح کلان (جامعه) است. همان طور که در قسمت‌های قبل بیان شد، آسیب‌دیدگی کامل، یکی از جنبه‌های بارز منطقه در زمان طرح شهرک شرام بود و علاوه بر کمک‌های دولتی، روستاییان نیز به طور خودجوش و با همکاری و مشارکت همدیگر، به جبران این خسارت‌ها و آسیب‌دیدگی‌ها پرداختند. در اینجا برای جلوگیری از اطاله کلام، چگونگی همکاری و مشارکت دولت و مردم در جدول زیر بیان می‌گردد.

جدول (1): میزان آسیب‌های وارده به منطقه و چگونگی همکاری و مشارکت دولت و مردم در جبران این

آسیب‌دیدگی‌ها

عنوان / دوره زمانی	وضعیت تخریب واحدهای مسکونی	وضعیت تخریب باغات، تاکستان‌ها و مزارع	کمک‌های دولتی برای جبران تخریب واحدهای مسکونی، باغات، تاکستان‌ها مزارع و دامداری	کمک‌های خودجوش و تلاش‌های مردم برای بهبود وضعیت واحدهای مسکونی	کوشش‌های مردم برای جبران تخریب باغات، مراتع مزارع، تاکستان‌ها
تا سال 1368 (پایان جنگ)	90%	90%	-	-	-
فاصله زمانی پایان جنگ تا ارائه طرح شهرک شرام	100% به دلیل ممنوعه بودن منطقه، ممانعت از سرکشی مردم به منطقه و آتش‌سوزی	100% به دلیل ممنوعه بودن منطقه، ممانعت از سرکشی مردم به منطقه و آتش‌سوزی	پرداخت خسارت مسکن، سردرختی، و احشام	-	-
زمان ارائه طرح شهرک شرام	مردم به‌طور خودجوش، به ساخت خانه باغی در روستاهای اصلی پرداختند.	مردم به بازسازی و بهبود وضعیت باغات، تاکستان‌ها و مزارع پرداختند.	450 هزار تومان وام، 20 کیسه سیمان، 3 کمپرسی ماسه، پرداخت هزینه خاکبرداری محل شهرک، ساخت کانال‌های بتونی برای آبیاری	ساخت واحدهایی مانند خانه باغی برای استفاده در زمان آبیاری و عدم ساخت واحد مسکونی اصلی به دلیل عدم اجازه بازسازی	آبیاری و بازسازی باغ‌ها، مزارع و تاکستان‌ها توسط خود مردم و روستاییان، خرید نهال و غیره.

منبع: یافته‌های تحقیق

در مورد نظر مصاحبه‌شوندگان درباره چگونگی برنامه‌ریزی، تهیه و اجرای طرح‌های مشابه به لحاظ همکاری و مشارکت دولت و مردم، اکثریت معتقد بوده‌اند که مشارکت و همکاری اصیل دولت و مردم، به مثابه قوت و برگ برنده هر طرحی است. بر این اساس، انتظارات دولت و مردم از همدیگر در جدول زیر بیان گردیده است (2).

توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره 1، بهار و تابستان 1391

جدول (2): وظایف دولت و مردم برای برنامه‌ریزی طرح‌های مشابه شهرک شرام از نظر مصاحبه‌شوندگان

وظایف مردم برای برنامه‌ریزی چنین طرح‌هایی [آنچه مردم باید مورد توجه قرار دهند]	وظایف دولت برای برنامه‌ریزی چنین طرح‌هایی [آنچه دولت باید مورد توجه قرار دهد]
1- همکاری و مشارکت مشتاقانه مردم؛ 2- مردم مشکل خویش را بهتر می‌دانند؛ 3- بعد از شروع حرکت از سوی دولت، مردم نیز باید قدم‌هایی بردارند؛ 4- غیر از کارهای کارشناسی، مردم سایر کارها را انجام دهند؛ 5- مردم باید مشورت و هماهنگی داشته باشند؛ 6- صداقت و اعتماد مردم به دولت؛ 7- روابط میان مردم و دولت نهادینه شود.	1- نظر مردم در هر زمان و مکانی، محترم و قابل ارج نهادن است و برای پیشرفت کار، لازم است؛ 2- اطلاع‌رسانی دقیق درباره جزئیات طرح‌ها به مردم؛ 3- توجه به پیشینه تاریخی جوامع؛ 4- در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و فرهنگی مردم در هر طرح؛ 5- شوراهایی باید برای جوانا شدن نظر اهالی تشکیل شود؛ 6- آغاز کردن فعالیت‌ها توسط دولت انجام شود؛ 7- انجام کارها به طور کارشناسی؛ 8- پرداخت هزینه‌های ساخت و ساز؛ 9- پرداخت هزینه امکانات و خدمات عمومی، آموزشی، فرهنگی، بهداشتی و غیره؛ 10- اعطای اختیارات لازم به مردم؛ 11- هیچ وقت نباید از کلمه "جبر" استفاده کرد؛ 12- مسئولان آگاه به اوضاع و احوال منطقه، در رأس امور قرار گیرند؛ 13- داشتن صداقت و اعتماد به مردم.

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به مطالب مذکور، باید گفت که رابطه دولت و مردم، لازم و ملزوم همدیگر است، به طوری که هر کدام از آنها، به تنهایی به جایی نمی‌رسد و با موفقیت همراه نخواهد شد. بر این اساس بوده است که یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان کرده است که «از دولت، حرکت و از مردم، همکاری و مشارکت» و حتی برخی «فعالیت بیشتر دولت را مساوی با همکاری مشتاقانه مردم و دفاع از مرزهای کشور دانسته‌اند». با این اوصاف، باید گفت که اکثریت مصاحبه‌شوندگان نیاز به وجود صداقت و اعتماد را در میان دولت و مردم، مورد توجه قرار داده و آن را برای نهادینه کردن روابط میان دولت و مردم، مهم بیان دانسته‌اند.

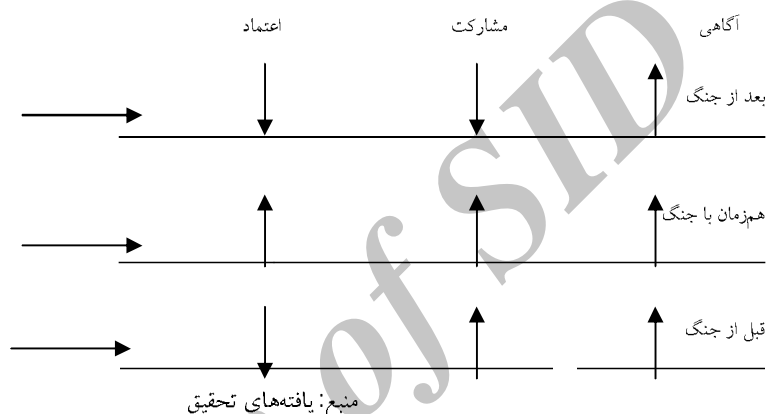
در طرح شهرک، برنامه‌ریزان بیشتر مسائل نظامی و امنیتی و تا حدودی آینده و مردم نیز به دلیل مشکلات خاص خود، مسائل اجتماعی و اقتصادی را مورد توجه قرار می‌دادند و هر کدام در شرایط خود، منطقی و موجه به نظر می‌رسیده است. لیکن مسأله اصلی، عدم مشارکت و دخالت دادن طرفین در برنامه‌ها بوده، که در نهایت، چنین مشکلاتی را به وجود آورده است. شایان ذکر است که دلیل تأکید بیش از حد مصاحبه‌شوندگان بر نقش برنامه‌ریزان و مسئولان در طرح شهرک، بیشتر تأخیر زمانی پدید آمده در بازسازی منطقه نسبت به سایر مناطق جنگ‌زده بوده است؛ و این مورد، عملاً موجب ایجاد سوءتفاهم‌هایی در میان روستاییان و شکل‌گیری روند مذکور شده است.

بدیهی است در طول سال‌های آوارگی روستاییان، سه جنبه مهم و اساسی آگاهی، مشارکت و اعتماد که در تعامل با همدیگر، سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهد، به شدت تضعیف شده است. بدین ترتیب، همچنان که در زمینه تاریخی پژوهش حاضر مشخص گردیده است، قبل از آوارگی، میزان مشارکت مردم، به میزان بالا و بسیار عالی بوده است (البته به صورت سنتی)، لیکن اعتماد به دولت وقت (رژیم طاغوت) در حد نازلی بوده است، و عنصر آگاهی نیز با توجه پیشرفت فناوری ارتباطات و اطلاعات، به احتمال قریب به یقین، نسبت

ارزیابی نقش مشارکت در طرح‌های توسعه مناطق روستایی ...

حال حاضر، زیاد مورد توجه نبوده است. در این میان، آنچه مجموعه فوق را دچار لغزش و خطا می‌کند، این است که در زمان انقلاب اسلامی و سال‌های بعد از آن و حتی سال‌های جنگ تحمیلی، میزان اعتماد مردم به دولت بسیار بالا بود، لیکن با توجه به انتظارات مردم در سال‌های بعد از جنگ برای بازسازی مناطق خود و پاسخگویی ضعیف برخی مسئولان به آن‌ها، تا حدودی میزان اعتماد نسبت به دوران جنگ، تضعیف گردید.

شکل (1): تغییرات عناصر و مؤلفه‌های اصلی سرمایه‌اجتماعی در میان برنامه‌ریزان و روستاییان



عناصر مشارکت به دلیل پراکندگی مردم در سطح چندین استان و شهرستان در زمان جنگ و کاهش تعاملات اجتماعی و فرهنگی آن‌ها با همدیگر و نیز کاهش میزان اعتماد، صدمه و آسیب دیده است. بر این اساس، یگانه عنصری که می‌توانست روند روبه‌رشد آن را تأیید کند، عنصر آگاهی بوده است که متأسفانه با کاهش شاخص‌های دو عنصر دیگر، عملاً تأثیر رشد آگاهی نیز به عنوان عنصری با تأثیر منفی، در بدتر شدن وضعیت دو عنصر دیگر عمل کرده است، به طوری که برای مثال، افزایش آگاهی مردم به وظایف برنامه‌ریزان در طول دوران بعد از جنگ، و عدم همکاری و اعتماد آن‌ها به مردم، عملاً باعث کاهش مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه شده است. بدین ترتیب، می‌توان وضعیت فوق را به صورت زیر ترسیم کرد (شکل 1).

یکی از موارد قابل توجه در تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، دید جامع و کلی‌نگرانه مصاحبه‌شوندگان به موانع و دلایل عدم مشارکت مردم و ناکامی طرح بوده است. به طوری که اکثریت آن‌ها، توجه به همه جنبه‌های طرح‌های توسعه را ضروری می‌دانستند. در پژوهش حاضر، با توجه به تجزیه و تحلیل‌های انجام شده، مشخص گردید که دلایل و عوامل مختلف عدم مشارکت روستاییان و ناکامی طرح‌های توسعه، روابط پیچیده و تنگاتنگی با هم دارند و در نظر گرفتن یکی از جنبه‌ها، می‌تواند آسیب‌پذیری این‌گونه طرح‌ها را افزایش دهد. به طور کلی، عوامل تأثیرگذار در عدم مشارکت مردم و ناکامی طرح شهرک شرام، در چهار گروه زیر قرار می‌گیرد:

توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره 1، بهار و تابستان 1391

عوامل اجتماعی - فرهنگی؛ مانند اختلاف‌ها و ناسازگاری‌ها، انسجام اجتماعی، فرهنگی و غیره.
عوامل اقتصادی - تولیدی؛ مانند وضعیت اشتغال، توان مالی مردم و غیره.
عوامل فضایی - کالبدی؛ امکانات و خدمات موجود، نحوه ساخت‌وساز واحدهای مسکونی و غیره.
عوامل محیطی؛ مانند شرایط آب‌وهوا، خاک و غیره.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر مشخص گردید، شناخت صحیح روستاییان و فرهنگ و آداب و رسوم آن‌ها، می‌تواند راه‌گشای برنامه‌ریزان و حلال مشکلات چنین طرح‌هایی باشد. بر این اساس، می‌توان گفت که شناخت وضعیت روستاییان قبل از جنگ، در زمان جنگ و آوارگی و بعد از جنگ، از مهمترین فاکتورهای مواجهه با چنین طرح‌هایی است. شایان ذکر است که توجه به ویژگی‌های منطقه‌ای، باید در راستای اهداف توسعه ملی قرار گیرد.

یکی از موضوعاتی که آن را باید به عنوان واقعیت قبول کرد، این است که در قضیه شهرک، هر چند برخی برنامه‌ریزان از ابتدا کار را با مشکل مواجه ساختند، ولی از طرف دیگر، در ادامه کار، بی‌انگیزگی مردم منطقه و روستاییان برای بازسازی منطقه و آبادانی روستاها نیز قسمتی از فرایند ناتمامی طرح شهرک بود. بدین ترتیب که برخی از روستاییان بعد از ارائه طرح شهرک، به دلایل مختلفی درباره بازسازی و بازگشت به منطقه، مردد بودند و اکثراً نیز اقدامات نامناسب برنامه‌ریزان را دلیل این کار خود ذکر می‌کردند. همان‌طور که بیان شد، چنین موردی تا حدودی می‌توانست توجیهی منطقی برای روستاییان باشد، ولی از طرف دیگر، رافع مسئولیت روستاییان در قبال آن نمی‌شد. بدین ترتیب، می‌توان گفت هر چند که روستاییان خود نیز در ناکامی طرح مقصر بوده‌اند، ولی به دلیل پیش‌دستی برنامه‌ریزان برای اقدامات غیرمشارکتی آغازین، کمتر چنین اتهام‌هایی را می‌پذیرند. بدین ترتیب، در زمینه طرح‌های ادغام و تجمیع، دولت می‌تواند نقشی پیچیده و در عین حال، تسهیل‌گر یا هدایت‌کننده را بر عهده داشته باشد. بر این اساس، دولت باید تصویر و برنامه‌ای جامع از شرایط و وضعیت را در اختیار داشته باشد.

بر این اساس، علاوه بر شناخت اهمیت مشارکت، می‌توان گفت که بحث مشارکت روستاییان و برنامه‌ریزان در طرح‌های توسعه، باید با حسن نیت توأم با صداقت میان طرفین، همراه باشد. یعنی مشارکت زمانی مصداق می‌یابد که خدمتی عرضه شود. اما وقتی چنین عواملی مهیا نباشد، دیگر مشارکت چه مفهومی خواهد داشت؟ مگر درآمد مردم آواره و جنگ‌زده روستایی چقدر است تا در اجرای این گونه طرح‌ها مشارکت کنند؟ آن صداقت و اعتماد بین روستاییان و برخی از مسئولان و برنامه‌ریزان را کجا می‌توان یافت؟ آن خدمات چگونه عرضه می‌گردد؟ و غیره. بدین ترتیب، از مردمی که به حساب نیایند، چگونه می‌توان توقع

ارزیابی نقش مشارکت در طرح‌های توسعه مناطق روستایی ...

طرح‌ها مشارکت کنند. همین مردم هستند که در محل‌هایی که نام شهرک به خود می‌گیرد، زندگی می‌کنند، بنابراین، فقط عواملی نظیر کنترل راحت‌تر مردم و رساندن امکانات با هزینه‌های کمتر، از قبیل نساختن چند مدرسه، چند جاده، چند مسجد، چند درمانگاه و غیره، نمی‌تواند دلیل ادغام و تجمیع چند روستا باشد. مشکلات مردم نیز باید مورد توجه قرار گیرد، و حداقل باید با تشکیل شوراهایی در میان روستاییان و پرسیدن نظر آنها، برای بهتر کردن انتخاب محل، نوع و میزان امکانات و خدمات، کمبودها و غیره اقدام شود.

به طور کلی، نتایج نشان داد که سرمایه اجتماعی در میان روستاییان و برنامه‌ریزان، دچار آسیب‌هایی گردیده که باعث تضعیف این سرمایه در شبکه روابط اجتماعی شده است، و مهم‌ترین آسیب‌های مذکور، در اعتماد اجتماعی و مشارکت نهفته است. ایجاد اعتماد به برنامه‌ریزان از جانب روستاییان، منوط به انجام اقداماتی است تا اعتماد تضعیف شده با از بین‌رفته، مجدداً احیا گردد و ارتباطات سازنده روستاییان و برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران شکل گیرد. با افزایش اعتماد روستاییان به برنامه‌ریزان، مشارکت به عنوان یکی از عناصر سرمایه اجتماعی توسعه خواهد یافت.

همان طور که در پژوهش حاضر مشخص گردید، مشارکت به معنای همکاری روستاییان در طرح‌های تهیه شده توسط دیگران نیست، بلکه مشارکت سطوح مختلفی دارد و مشارکت مطلوب، زمانی انجام می‌شود که روستاییان بتوانند در سطوح ذهنی، عینی، تصمیم‌گیری و اجرایی، دخالت داشته باشند. در چنین جریانی، روستاییان بدون نیاز به اعمال کنترل و نظارت خاصی، به اجرای طرح‌ها می‌پردازند و عملاً موفقیت طرح‌ها را تضمین می‌کنند. علاوه بر این، برنامه‌ریزی مناسب، استفاده از توانایی‌های روستاییان و مشارکت آگاهانه و داوطلبانه آنها، می‌تواند بستر مناسبی برای موفقیت طرح‌های توسعه فراهم کند. بر این اساس، برای ایجاد تفاهم و نظرهای مشترک بین طرفین طرح‌ها، باید روابط مثبت و سازنده‌ای بین برنامه‌ریزان و روستاییان ایجاد شود که از جمله می‌توان تقویت اعتماد و ایجاد زمینه‌های عینی و ذهنی آن از سوی دو طرف را بیان کرد.

در پایان، ضمن اذعان به تأیید استفاده از نظریه‌های مشارکت و به‌کارگیری نگرشی جامع و کل‌نگر برای تبیین عوامل مؤثر در ناکامی طرح شهرک و طرح‌های مشابه با آن، و با عنایت به اینکه برنامه‌ریزی اغلب طرح‌های توسعه، با رویکرد کالبدی- فضایی انجام شده است، توجه به راهبرد مشارکت در توسعه روستایی، و نظریه‌های مربوط به توسعه روستایی مشارکتی اجتناب‌ناپذیر است.

پیشنهادات

- برای جلوگیری از تکرار اشتباهات گذشته، مراجعه به طرح‌های گذشته و کسب تجربه از آنها ضرورت دارد.
- مشارکت در جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره، از جمله موضوعاتی است که در دهه‌های

توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره 1، بهار و تابستان 1391

روستاییان، اهمیت فراوانی دارد. در ضمن، درباره عوامل مؤثر بر افزایش اعتماد میان برنامه‌ریزان و روستاییان، به مطالعه و انجام پژوهش‌های بیشتری نیاز است.

- با توجه به "تمرکزگرایی" موجود و نیاز به "تمرکززدایی"، تلاش برای جلب مشارکت اقشار مختلف روستاییان در حوزه‌های مختلف اجتماعی، ضرورت دارد، برای مثال، حمایت همه‌جانبه مردم و مسئولان از شوراهای اسلامی یا نمایندگان مردم و تلاش برای گسترش نهادهای مردمی به عنوان افراد رابط و بازوان توانمند مردم و مسئولان.

منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (1384). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: کیهان.
- پاتنام، رابرت (1385). سرمایه اجتماعی. ترجمه افشین خاکباز و حسین پویان. به کوشش کیان تاجبخش. تهران: شیرازه.
- جمعه‌پور، محمود (1384). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها. تهران: سمت.
- حامدمقدم، احمد (1373). مشارکت و توسعه مشارکتی روستایی. مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، جلد دوم (285-313). تهران: سمت.
- رضوانی، محمدرضا (1383). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. تهران: قومس.
- رضانیان، محمد (1386). اعتماد به مثابه یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی. مجموعه مقالات همایش سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران، (105-110). تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- شهبازی، اسماعیل (1372). تجمیع یا ادغام روستاها: یک اشتباه بزرگ. سنبله. 57، 64 - 69.
- صمیمی، احمد (1386). سرمایه اجتماعی و توسعه. مجموعه مقالات همایش سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران (167-168). تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- عنبری، موسی (1377). ارتباط زمینه‌های خانوادگی دانشجویان با مشارکت اجتماعی آنان (مورد مطالعه، دانشگاه تهران) (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران. دانشکده علوم اجتماعی.
- غفاری، غلامرضا (1380). تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته‌ی روستاییان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی ایران (مطالعه‌ی موردی روستاهای شهر کاشان) (رساله دکترا). دانشگاه تهران. دانشکده علوم اجتماعی.
- فتاحی، سعدی (1387). مجموعه مقالات همایش گستره فرهنگ هورامان (75-83). کرمانشاه: طاق بستان.
- کائوتری، هوپین (1379). مشارکت در توسعه. ترجمه هادی غبرایی و داود طبایی. تهران: روشن.
- مردای، صباح (1376). روند جابجایی و ادغام روستاها و پیامدهای آن، بررسی موردی: شهرستان پاوه (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید بهشتی.